

# ناقوس



## سرمقاله: کریسمس "تولد عیسی"

### در این نشریه

- ۱- سرمقاله
- ۲- گزارش از کلیساهای ایرانی
- ۲- سخنی از زنان مسیحی
- ۳- رازگهان
- ۳- اعتماد و اطاعت
- ۳- سخنی از جوانان مسیحی
- ۴- مسیح و من

### انتشارات

### خدمات جهانی فارسی زبان

♦ زیر نظر گروه نویسندگان

♦ گردآورنده: ناهید



ناقوس

Bell

بدنیا آمد . .

مردم در جواب گزارشگر رادیو این چنین پاسخ می دادند. کریسمس یعنی هدیه دادن و هدیه گرفتن، یعنی با فامیل خوش گذراندن.

من نیز صلیب را به یاد آوردم و چنین زمزمه کردم "کریسمس یعنی ظاهر شدن محبت خداوند بر زمین"

راستی شما در مورد کریسمس چگونه فکر کرده اید؟

کریسمس برای شما چه مفهومی دارد؟

زمین راهی بیت اللحم شده بودند طفل را با مریم یافتند و عطر و کندر برایش سوزانده و هدایای طلا برای خداوند تقدیم کردند و به سجده در آمده او را حمد گفتند. دکمه رادیو را فشار دادم سرودهای کریسمس نواخته میشد. ۲۰۰۴ سال قبل در چنین شبی فرشتگان خداوند با سرودهای آسمانی خود برای نوزاد مریم لالایی گفته و در آخوری کوچک او را پرستیده بودند.

گزارشگر رادیو به داخل جمعیت رفته بود و از آنها می پرسید که کریسمس برای آنها چه مفهومی دارد؟ فرشتگان در آن شب موعود به پیش چوپانان رفتند و آمدن مسیح را به آنها مژده دادند. چوپانان نیز شتابزده به داخل مردم رفتند و گفتند، مژده . . مژده که نجات دهنده

آفتاب غروب می کرد در جاده های خلوت شهر به طرف کلیسا به راه افتادم. باران به آرامی می بارید. گویی جاده ها نیز خود را برای شب کریسمس آماده می کردند. گویی ستاره گان چون یاقوت و زمرد به روی خانه ها فرود آمده بودند. راستی این همه هیجان برای چه بود؟

به یاد آوردم که مسیح در آن شب که به دنیا می آمد کسی غیر از یوسف و مریم نداشت که منتظر این نوزاد آسمانی باشد. هیچ چراغی نیز در خانه ای سوسو نمی زد. جهان در بی خبری و تاریکی بود. بی خبر از این که این نوزاد گواهی خداوند بر زمین خواهد بود. او می آمد که همه چیز را عوض کند.

مردمی که به دنبال ظهور ستاره از مشرق

## ۲۰ هزار جوان مسیحی در شیکاگو، آمریکا



محبت مسیح از طریق جوانان  
پخش می شود

کنفرانس بین المللی در دسامبر ۲۰۰۳ با شرکت ۲۰ هزار نفر از جوانان ایالات متحده آمریکا و سایر نقاط دنیا برگزار شد. در این کنفرانس دانشجویان آمادگی خود را برای خدمت در نقاط مختلف جهان اعلام کردند.

## گزارش از مشارکت مسیحیان افغانی و ایرانی در وینا، ویرجینیا آمریکا

غیره لمس کرده است.

ما خادمین عیسی مسیح فروتنانه آماده هستیم تا با هدایت روح القدس به خدمت خود ادامه دهیم.

Afghan & Iranian Christian Church

8925 Leesburg Pike

Room: Community A

Vienna, VA 22182-1742

ساعت عبادت ۱۲:۳۰ تلفن ۷۰۳-۷۷۰-۳۸۵۷

### افغانیها و ایرانیها همدیگر را محبت می کنند

در این مدت یکسال و نیم خداوند ما عیسی مسیح با محبتش تعداد بسیاری از هموطنان افغانی و ایرانی را در ایالتهای مریلند، واشینگتن، و ویرجینیا به شیوه های مختلف بوسیله روح القدس، کلامش، سرودهای روحانی، شفاه و

این مشارکت در ۱۷ نوامبر ۲۰۰۲ بعد از سالها دعا توسط پیروان مسیح و با همکاری و یکدلی ۴ نفر از برادران و خواهران به سرپرستی کشیش کلیسا با هدایت روح القدس، در کلیسای مک لین شروع شد.

در سال ۲۰۰۳ خدا دوستان افغانی را به جمع ما اضافه کرد، بعد از چند مدت دعا و ملاقات با هموطنان افغانی و ایرانی افراد جدید وارد خانه خدا شدند و درخواست کردند تا بیشتر با عیسی مسیح آشنا شوند. بعد از مدتی با هدایت روح خدا تعدادی دیگر از فرزندان به جمع ما اضافه شدند.

## سخنی از زنان مسیحی

گاهی در زندگی ما اتفاقاتی می افتد که بی تفاوت از آنها عبور می کنیم و حتی مسائل مهم را از یاد می بریم.

مثلا یادمان می رود که چرا خلق شده ایم و خداوند برای ما چه نقشه هایی دارد.

او نقشه مخصوصی در زندگی هر یک از ما دارد و راهنمایی های او همیشه بهترین

ای محکم ما را در بر خواهد گرفت. آمین



من یک زن نمونه برای شوهر و بچه هایم هستم.

است. اگر چنانکه با ایمان کامل در خداوند راه برویم، در زمان نیاز آنها را بیاد ما خواهد آورد.

زندگی سالم و شاد از نظر خداوند یعنی دوستی و نزدیکی با او. اوست که به ما راه زندگی و خدمت کردن را می آموزد. او هر روزه خواست خود را به ما نشان می دهد. خداوند راههای خود را به ما خواهد آموخت و ما را در خود شاد خواهد کرد و چون حلقه

## ”رازگهان: با هم یک فکر کنید و همان محبت نموده، یک دل بشوید و یک فکر داشته باشید.“ (فیلیپیان ۲: ۲)



گناه انسان تاریخ مسیحیت را لکه دار کرده است، عالم مسیحیتی که می توانست بس زیبا باشد اگر کسانی که حامل نام مسیح بودند، از احکام استاد خود پیروی می کردند تفتیش عقاید کاتولیکها بسیار فجع بود، اما پروتستانها نیز می توانستند به همان اندازه بی رحم باشند.

علیاحضرت ملکه انگلستان، الیزابت اول، اسقف پلانکت را به خاطر اعتقادات کاتولیکی اش محکوم به مرگ کرد. وی دستور داد تا او را بطور نیمه کاره حلق اویز کرده، سپس از دار پایین آورند و بعد شکمش را بشکافند و در حالی که هنوز زنده بود، اعماء و احشایش را

### با خدا راز و نیاز کردن

بسوزانند و سپس او را چهار قطعه کنند. کاتولیکها در حیوانی میکیالین پروتستان و چهار فرزندش را توفیق کردند. هنگامی که سه فرزند او را مقابل چشمانش قطعه قطعه می کردند، هر بار از او می پرسیدند آیا حاضر است اعتقادش را انکار کند و او هر بار امتناع می ورزید. وقتی که این پاسخ برای چهارمین بار از او پرسیده شد، یکی از سربازان، کودک را از پیش کشید و با یک ضربه، مغز او را پریشان ساخت.

در ایام جنگ، کاتولیکها، هزاران اورتوکس را در کرواسی کشتند. کشیشهای اورتوکس، مسیحیان انجیلی را در رومانی شریانه آزار داده، آنها را تعقیب کردند و ایشان را به زندان

انداختند. کشیشها، کشتارهای دسته جمعی یهودیان را رهبری کردند. امروزه پروتستانها و کاتولیکها در ایرلند شمالی بنام آن کسی که محبت را حتی نسبت به دشمن توصیه کرده بود، یکدیگر را می کشند.

بباید یکبار برای همیشه تصمیم بگیریم که هر نوع فکر کینه توزانه یا خصومت بار را نسبت به شخصی که مذهبی به غیر از مذهب ما دارد، ریشه کن سازیم. باشد که از کاربرد هر نوع سخن فتنه انگیز نسبت به مذهب دیگری برحذر باشیم. این امر ممکن است فردی غیر مسئول را به اعمال خشن و حتی قتل وادار کند. اختلافات مذهبی را باید در محبت مورد بحث قرار داد. هرگاه که به نظر آید که اختلافات آشتی ناپذیرند، هر یک از طرفین باید اعتقادات خود را بر پایه خدا حفظ کند. اما

اعلی ترین حکم محبت است.

از کتاب رازگهان ۶ آوریل

### اعتماد و اطاعت

- خداوند می فرماید کارهایی را که شما قادر به انجام آن نیستید من می توانم آنها را برای شما انجام دهم.
- خداوند همه چیز را تنظیم می کند و آنها را به موقع در زندگی ما قرار می دهد.
- تمام کارهای خداوند از قبل تنظیم

شده است، و او خدای مهیا کننده است.

• خداوند ترا خلق کرد و او نقشه مخصوص در زندگی تو دارد.

• اگر با ایمان در خداوند زندگی کنیم صدای او را در تمام زندگی روزمره خود خواهیم شنید.

من و شما چگونه به خدا  
اعتماد و از او اطاعت می کنیم؟

### سخنی از جوانان مسیحی

مطمئن باشید که دکمه ای که خداوند فشار دهد منظور خداوند را در زندگی شما به عمل می آورد.



در جوانی  
با مسیح رشد می کنم

بکنید.“

#### اول قرنیتیان فصل ۱۰ آیه ۳۱

شاید هنوز در تاریکی زندگی می کنیم و باید از خداوند بخواهیم که به ما بیاموزد که او چه برنامه هایی را برای ما ترجیح می دهد.

پس آیا بهتر نیست که دستگاه کنترل را به دست خداوند بسپاریم که او دکمه را فشار دهد؟

بیشتر اوقات دستگاه کنترل تلویزیون در دستمان است و با فشار دادن انگشتمان بر روی دکمه، برنامه دلخواه خود را تماشا می کنیم. اما نمی دانیم که این زمان را از دست می دهیم یا آن را بطور درست استفاده می کنیم. نمی دانیم که تماشای این کانال چه تحولی در زندگی و در درون ما ایجاد خواهد کرد.

راستی آیا افکار ما جوابگوی خواست خداوند خواهد بود؟ ”پس خواه بخورید، خواه بنوشید، خواه هر چه کنید، همه را برای جلال خدا



## خدمات جهانی فارسی زبان:

هدف: نشان دادن محبت عیسی مسیح به مردم ایرانی و افغانی.

تاریخ تاسیس: ۱۹۹۸ میلادی.

نوع خدمات؛

- ۱- آموزشگاه کتاب مقدس ایرانی و افغانی: آموزش کتاب مقدس و پرورش دادن خدمتگزارانی فروتن، حکیم، مطیع، بخشنده و پراز روح خدا.
- ۲- فرستادن خادمین ایرانی و افغانی برای خدمت به هموطن خود.
- ۳- تاسیس کلیسا در جامعه مسیحی.
- ۴- همکاری با سایر مسیحیان جهان.
- ۵- پخش کتاب، ویدیو، دی وی دی، کاست، سی دی و جزوات مسیحی.
- ۶- کمکهای انسانی به مردم ایران و افغانستان

## عیسی مسیح و من: چگونه من شاگرد عیسی مسیح شدم؟ "این است شهادت من"

بگیری. نمی دانستم که چرا باید غسل تعمید بگیرم ولی قبول کردم.

او مرا و دختر کوچکم را در جایگاهی در کلیسا قرار داد. شنل خود را پوشید. بدنم هم چنان می لرزید. چشمانم کشیش را تعقیب می کردند که او چکار خواهد کرد و مراسم غسل تعمید چگونه خواهد بود. دیدم که کشیش کلیسا با یک لگن برنزه که پر از آب بود آمد و آن را در جلوی پایهای من قرار داد. بعد از مراسم غسل چند قطره روغن از شیشه کهنه به آب لگن ریخت. روغن ها در روی آب شناور بودند. خدایا چه می دیدم! همه چیز حتی اندازه لگن و شیشه همانطور بود که در خواب دیده بودم. بعد از مراسم غسل تعمید کم کم بدن من به حال اولیه برگشت، دیگر نمی ترسیدم و دیگر نمی لرزیدم. از آن روز تاکنون تمام زندگی من پر از برکت خداوند عیسی مسیح شده است. بله خداوند یکی از فرزندان گمشده خود را پیدا کرد.

خداوند عیسی مسیح: " من شبان نیکو هستم."

بنده گمراه بودم من، خدایی کی دیده بودم

چون ترا دیدم، خدا دیدم، به ایمان آمدم من

ناهید فلاح

در قلبم تابانید. خودم را کاملاً شخص دیگری می دیدم انسانی امیدوار به آینده، انسانی که دیگر احساس تنهایی و ناامیدی نمی کرد ولی علت این همه تغییر و تحول را در وجودم نمی فهمیدم.

هر روز تشنگی من برای شنیدن کلام خداوند بیشتر می شد. ماهها هم چنان می گذشت و ما به دنبال سرنوشت نامعلوم خود بودیم. در همین روزهای سخت زندگی من بود و هنوز در هتل اقامت داشتیم که در خواب دیدم در جلوی شخصی که نمی دیدم ایستاده بودم. او لگنی برنزه که پر از آب بود در جلوی پایهایم قرار داد و از یک شیشه کوچک کهنه چند قطره روغن به این لگن آب انداخت. روغن ها به هم متصل شدند و چهره عیسی مسیح روی آب ظاهر شد.

وقتی از خواب بیدار شدم حالت عجیبی داشتم نمی دانم که چرا می لرزیدم و می ترسیدم حتی احساس می کردم که زمین هم می لرزد. چنین حالتی را هرگز در تمام عمرم به خاطر نمی آورم.

صبح زود به کشیش کلیسا تلفن کردم. او مرا به

کلیسا خواست. کشیش پرسید آیا میخوای به عیسی مسیح ایمان بیاوری گفتم بله حاضرم که امروز به مسیح ایمان بیاورم. او گفت باید غسل تعمید

بباید دارم در خانواده ای بزرگ شدم که در آن ایمانی نبود. پدرم با عقاید کمونیستی خود زندگی می کرد. کلمه خداوند برای من معنی و مفهومی نداشت. در سنین جوانی با کلیسا آشنا شدم. کلیسا برایم فقط مکان مقدسی بود که مسیحیان برای عبادت به آنجا می رفتند اما این مکان مقدس با جاهای دیگر که مردم برای زیارت یا عبادت می رفتند بسیار فرق داشت که من علت آن را درک نمی کردم.

حوادث ناگوار زندگی یکی پس از دیگری به سراغم آمدند. خود را بیچاره و درمانده یافتم. من و خانواده ام بر حسب اجبار در سال ۱۹۸۵ ترک وطن کردیم. در هتلی که در استانبول اقامت داشتیم با یک خانواده مسیحی آشنا شدم آنها به کمک احتیاج داشتند در این زمان بود که با یک کشیش کلیسا آشنا شدم او این خانواده را کمک کرد و آنها عازم فرانسه شدند. کشیش کلیسا در هر فرصتی که پیش می آمد برایم از مسیح و از کتاب مقدس صحبت می کرد. یکروز برایم هدیه ای آورد. آنرا باز کردم. آن انجیل شریف بود که بزبان

فارسی نوشته بود. از خوشحالی گریه کردم چون در عمرم انجیل را ندیده بودم آنهم بزبان فارسی. شرکت در مراسم کلیسا و خواندن کتاب مقدس نور امیدی

در او نوب شدم